

پوشش و آراستگی در سیره امام حسن عسکری علیه السلام

آمنه خالقی فرد^۱

سید ناصر موسوی^۲

چکیده

پوشش مناسب و آراستگی ظاهری، یکی از موضوعات مهم سبک زندگی است که انسان‌ها در فطرت خود به آن علاقه‌مندند. پوشش، از مولفه‌های مهم ارتباطات انسانی نیز به‌شمار می‌رود که در استحکام و انسجام افراد جامعه موثر است. دین مبین اسلام به این موضوع بسیار تأکید دارد و روایات نسبتاً زیادی از معصومان علیهم السلام در این باره نقل شده است. در میراث اسلامی، به پوشیدن برخی از لباس‌ها تشویق و از پوشیدن برخی دیگر نهی شده است. همچنین در زمینه رنگ، جنس، نوع، مکان و زمان مناسب پوشش، توصیه‌هایی وجود دارد که مسلمانان را به انجام این دستورات، ترغیب کرده است. امامان معصوم علیهم السلام به‌عنوان اسوه و الگو در همه امور و مسائل زندگی، بنا بر اقتضای دستور اسلام، در دوره خود، پوششی را انتخاب کرده‌اند. با بررسی این‌گونه روایات و تحلیل رفتارشناسانه آنها می‌توان به علل، عوامل و اصول مهمی پی برد که در تعیین نوع پوشش، تأثیرگذار بوده‌اند. این مقاله، با روش تاریخی-تحلیلی، درصدد است با بررسی گزارش‌ها و روایات مربوط به پوشش در دوره امام حسن عسکری علیه السلام، وضعیت لباس و پوشش آن حضرت را بررسی کرده و اصول حاکم بر انتخاب نوع پوشش را با تأکید بر پوشش و آراستگی تحلیل کند.

واژگان کلیدی: امام عسکری علیه السلام، سیره فردی، پوشش، آراستگی.

۱. سطح سه تاریخ اسلام، ناظرانجمن علمی و پژوهشی تاریخ جامعه الزهراء علیها السلام hasany3420@gmail.com

۲. دکتری تاریخ اسلام، مدرس جامعه الزهراء، smmusavi962@gmail.com

مقدمه

یکی از دغدغه‌های انسان در دوره مدرن، مسئله سبک زندگی است. این مسئله با توجه به فرهنگ‌ها، شرایط و دوره‌های متعدد، متفاوت خواهد بود. تحولات هر جامعه در طول زمان و تغییرات فرهنگی در دوره‌های مختلف اقتضا می‌کند که شرایط و موقعیت‌های گوناگونی در شکل‌دهی سبک زندگی ایجاد شود. یکی از موضوعات مهم سبک زندگی، نوع و سبک پوشش و لباس است که به لحاظ رنگ، جنس، مدل دوخت و موارد دیگر، متفاوت است. قضاوت و ارزش‌دآوری درباره لباس و پوشش از منظر دستورات دینی و هنجارهای فرهنگی، قابل تبیین و توجیه خواهد بود.

دین اسلام، که احکامش مطابق فطرت بوده و به آسانی و آسایش زندگی بشر توجه دارد، درباره پوشش انسان در شرایط مختلف، احکامی دارد که از میان آیات قرآن و اخبار و احادیث معصومان علیهم‌السلام قابل دستیابی است. در اسلام، به پوشش ساده و زیبا توصیه شده و از پوشش‌هایی که نشان‌دهنده تفاخر یا انگشت‌نما شدن باشد، نهی گردیده است.

قرآن کریم، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را اسوه و الگو معرفی کرده و آن حضرت نیز، امامان معصوم علیهم‌السلام و حضرت فاطمه علیها‌السلام را به عنوان عترت و یکی از دو ثقلی اعلام کرده که باید به آنها تمسک جوئیم. شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دوران حضور ائمه، همیشه یکسان نبود و به همین دلیل، وضعیت زندگی ایشان از جمله در پوشش و لباس، متفاوت بود. این تفاوت، در شرایط مختلف زندگی یک امام هم دیده می‌شود. به عنوان مثال، وضعیت پوشش و لباس حضرت علی علیه‌السلام در دوره خلافت و قبل از آن، متفاوت بود.

یکی از دوره‌های مهم تاریخ تشیع، دوره زندگی امام حسن عسکری علیه‌السلام است که هم به لحاظ مدت امامت و هم شرایط سیاسی و مناسبات امام با خلافت عباسی، دورانی خاص به‌شمار می‌رود. در این دوره، بدنه اجتماعی شیعه شکل گرفته و جامعه شیعه، متعین شده بود و الگوگیری از امام و نیز هدایت جامعه از طریق شبکه وکالت، ادامه داشت. بررسی رفتار امام عسکری علیه‌السلام می‌تواند علاوه بر توضیح شرایط زندگی آن حضرت، از جمله در پوشش و لباس، اصول حاکم بر انتخاب لباس و نوع پوشش مورد تایید را تبیین کند. این مقاله، از میان همه

گزارش‌هایی که به سیره و سنت امام عسکری علیه السلام پرداخته، روایاتی را که به پوشش و لباس آن حضرت توجه دارد، جمع‌آوری و تحلیل خواهد کرد. پوشش و لباس، یکی از وجوه سیره فردی حضرت است که با تبیین آن می‌توانیم از طریق استنباط و به‌کارگیری این اصول، الگوی زندگی امروز خود را تعریف کرده و انتخاب کنیم.

مفهوم سیره در لغت، به «الطریقه» ترجمه شده است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۸۹) سیره، گاهی نیز به معنی سلوک و رفتار، شکل، هیئت و حرکت و سفر آمده و در اصطلاح، به مفهوم زندگی‌نامه و شرح ماجراهای فرمانروایان و نام‌آوران به کار رفته است (بلاذری، ۱۳۳۷، ص ۱). منظور از سیره فردی، سلوک و رفتار فردی است.

مفهوم ساده‌زیستی، به معنای سامان‌دهی شکل زندگی به‌گونه‌ای است که مانع حرکت معنوی انسان نشود و بلکه هموارکننده راه خدا باشد. (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۳۱۱) این مفهوم، در دیدگاه‌های متفاوت دارای تفاسیر گوناگونی است. مفهوم پوشش به معنای جامه و لباس است که با آن، چیزی را بپوشانند. مفهوم آراستگی نیز به معنای زینت‌دادن، تزیین‌کردن و هماهنگ، آماده و مهیا بودن است که نباید با تجمل با معنای منفی آن اشتباه گرفته شود. بنابراین با بررسی دوره، زمانه و نحوه پوشش امام عسکری علیه السلام، جمع بین زهد و ساده‌زیستی، آراستگی و پوشش مناسب را نشان می‌دهیم. در این مقاله، پوشش، هم شامل لباس است که اندام‌ها را می‌پوشاند و هم شامل پوشش‌های زینتی مثل انگشتر می‌گردد.

در خصوص پوشش در سیره معصومان علیهم‌السلام، کتاب‌های متعددی وجود دارد که از وجوه مختلف، به این موضوع اشاره کرده‌اند. نزدیک‌ترین تحقیق به این موضوع، کتاب «پوشش و تغذیه در سیره معصومان» نوشته امیرعلی حسنلومی باشد که هم پوشش و هم تغذیه را در سیره معصومان علیهم‌السلام بررسی کرده است. مقاله حاضر، با تتبع بیشتر و با تکیه بر روایات منقول از امام عسکری علیه السلام و یا درباره آن حضرت، که به نوعی به پوشش مربوط است خواهد پرداخت تا از این طریق، اصول رفتار و سیره حضرت در پوشش، تبیین شده و برای زندگی امروز، قابل‌الگوگیری باشد.

۱. آداب پوشش

از آداب پوشش آن است که آراسته و زیبا باشد. زیبایی پوشش در اسلام، از جایگاه مهم و رفیعی برخوردار است و تاکید فراوانی هم به آن شده است. زیبایی، بروح و روان انسان، تاثیرگذاری فراوانی داشته و با لباس آراسته و پاکیزه در بین دوستان و جامعه حاضر شدن، باعث شادی آنان می‌شود. در اسلام، هدف از آراستگی، رضای خداست. از نگاه اسلام، پوشیدن لباس زیبا، پسندیده و مورد تاکید است. از مهم‌ترین پیامدهای پوشش، تاثیر آن در روابط بین انسان‌هاست. گاهی لباس می‌تواند به ارتباطات انسانی، رنگ رغبت و اشتیاق بدهد و گاهی ایجاد تنفر و دوری کند. (ساطعی، ۱۳۸۳، ص ۲۸) لباس از منظرهای مختلف می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. رنگ، جنس، میزان پوشیدگی و تنوع و سبک دوخت آن را می‌توان بررسی کرد.

یکی از نکاتی که بر زیبایی پوشش می‌افزاید، رنگ پوشش است. اسلام در مورد رنگ پوشش نیز توصیه‌های فراوانی دارد تا جایی که به پوشیدن رنگ‌های روشن از جمله زرد، سبز و سفید بسیار توصیه می‌کند. بحث‌های علمی نیز تاثیر رنگ پوشش در انسان را ثابت کرده است. به عنوان مثال، رنگ زرد، گرم‌کننده و موثر در خوشخویی است که در قرآن به آن اشاره شده است (بقره: ۶۹) و در آزمایش‌ها، ثابت شده که این رنگ، شادی بخش، کاهنده استرس و اضطراب و آرام بخش و برای اعصاب، مفید است. خداوند به وسیله رنگ سبز، حیات را در طبیعت نشان داده و بهار را با این رنگ نمایانده است. رنگ سبز، آرامش بخش، افزایش دهنده تحمل، امیدوارکننده و تعدیل‌کننده نور خورشید است. (ساطعی، ۱۳۸۳، ص ۲۹)

در برخی روایات اسلامی، از پوشیدن لباس در برخی رنگ‌ها نهی شده و بر پوشیدن لباس در برخی رنگ‌ها توصیه شده است. برخی پوشش‌ها، به پوشش افراد ناصالح و برخی لباس‌ها، به پوشش پیامبران تشبیه شده است (شیخ صدوق، ۱۴۰۶، ص ۲۴). همچنین به نحوه پوشیدن لباس نیز اشاره شده است. در سیره پیامبر، پوشیدن لباس طرف راست را مقدم

۱. صفراء فاقع لونها تسر الناظرین.

می‌دانست و انگشتر را بردست راست می‌کرد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۳).^۱ از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت هر که انگشتر در دست راست کند و هدفش از این کار، پیروی از تو و سنت تو باشد، چنان چه او را در قیامت سرگردان بینم، دستش را گرفته و به تو و امیر مؤمنان می‌رسانم» (ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۳، ص ۳۰۳). بنابراین از آداب پوشش آن است که لباس زیبا و تمیز و با رنگی مناسب با موقعیت خود پوشیده شود.

۲. پوشش و آراستگی

آراستگی پوشش و نوع پوشش‌هایی که باعث آراستگی می‌شوند، دارای اهمیت بسیار است تا جایی که اسلام، آراستگی در پوشش را مورد تاکید قرار داده و از ژولیدگی و پوشش مندرس داشتن نهی کرده است؛ بلکه توصیه شده که علاوه بر پوشش لباس، با پوشیدن زینت‌هایی مانند انگشتر، بر این آراستگی بیفزاییم. انگشتر، یکی از پوشش‌هایی است که در آراستگی انسان موثر بوده و در دین اسلام، به پوشیدن آن بسیار توصیه شده است. هر یک از امامان علیهم السلام، انگشتری با نقش‌های متفاوتی داشته‌اند که علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار، نقش انگشتری برخی ائمه علیهم السلام را این‌گونه بیان کرده است:

نقش انگشتری امام سجاد علیه السلام: «وَمَا تُوَفِّقُ إِلَّا بِاللَّهِ»^۲ (مجلسی، ۱۳۹۲ ق، ج ۴۶، ص ۱۴)؛ نقش انگشتری امام باقر علیه السلام: «رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا»^۳ (همان، ص ۳۴۵)؛ نقش انگشتری امام موسی کاظم علیه السلام: «الْمَلِكُ لِلَّهِ وَحْدَهُ»^۴ (همان، ج ۴۸، ص ۱۱) و نقش انگشتری امام هادی علیه السلام نیز: «حِفْظُ الْعُهُودِ مِنَ اخْلَاقِ الْمَعْبُودِ»^۵ بود. (همان، ج ۵۰، ص ۱۱۷)

درباره نقش انگشتری امام حسن عسکری علیه السلام چند روایت وجود دارد. برخی، آن را:

۱. به نقل از: عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۳، ح ۲۶۸ و علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۵۸، باب ۱۲۷، ح ۲.

۲. و توفیق من، جز به خدا نیست.

۳. پروردگارا! مرا تنها مگذار.

۴. فرمانروایی، تنها برای خداست.

۵. حفظ اموری که خدا در ترک یا انجام آن، با ما عهد بسته است، از خلقیاتی است که خدا دوست دارد.

«سُبْحَانَ مَنْ لَّهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۱ دانسته‌اند (همان، ص ۲۳۸) و برخی نیز گفته‌اند: «أنا الله شهيد»^۲ یا «أنا الله شهيد»^۳ یا «أنا لله شهيد»^۴. (قمی، ۱۳۹۱ش، ج ۲، ص ۲۶۴)

لازم به ذکر است که حتی رنگ نگین انگشترها مانند فیروزه، یاقوت، عقیق، حدید صینی، دُرّ نجف نیز باعث می‌شود اثرات متفاوتی داشته باشند. به عنوان مثال، درباره تأثیر پوشیدن یاقوت، از امام صادق علیه السلام آمده است که تنگدستی را از بین می‌برد (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۱۱) و حضرت زهرا؟ عها؟ نیز می‌فرماید: کسی که انگشتر عقیق بپوشد، همیشه خیر می‌بیند. (همان)

۳. عوامل موثر بر انتخاب پوشش در اسلام

در اسلام، متغیرهایی وجود دارد که بر اساس آن، پوشش و آرایش افراد، در طول قرن‌های مختلف می‌تواند تغییر یابد. شهید مطهری بر تاثیرگذاری عنصر زمان و مکان در سیره اهل بیت علیهم السلام تاکید دارد (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۴۱-۴۲). شاهد مثال آنکه، کسانی که به امام صادق علیه السلام خرده می‌گرفتند که چرا لباس با لباس علی علیه السلام فرق دارد، حضرت می‌فرمود: اگر در این دوره، مانند ایشان بپوشم، مردم مرا دیوانه یا ریاکار می‌خوانند. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۴۴۳)

۳.۱. مقتضیات زمانی

گذر زمان، یکی از عواملی است که تغییراتی را در کیفیت زندگی انسان به وجود می‌آورد و باعث بهبود شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه می‌شود. پوشش، مقوله‌ای است که تغییرات گذر زمانی بر روی آن، کاملاً ملموس است و هر دوره‌ای، پوشش خاص خود را دارد. امامان معصوم علیهم السلام نیز پوشش خود را بر اساس مقتضیات زمان تنظیم می‌کردند. نظر به اینکه در دوران امام عسکری علیه السلام، وضعیت اجتماعی و اقتصادی آن نسبت به دوران ابتدایی

۱. پاک و منزه است خدایی که کلیدهای آسمان‌ها و زمین از آن اوست.

۲. من خدای حاضر و شاهد هستم.

۳. به درستی که خداوند، حاضر و شاهد است.

۴. من برای خداوند، گواه و شاهدم.

اسلام بهبود یافته بود، بنابراین پوشش ایشان نیز با آن دوره و شرایط، تناسب داشته است. در این زمان، تغییراتی در نوع پوشش اعراب آن دیار دیده شده که درباره امام نیز گزارش شده است. از علی بن محمد بن حسن روایت شده که گفت: پادشاه به جانب بصره خارج شد و امام عسکری علیه السلام نیز با شیعیان خود با سلطان خارج شد. ما عده‌ای بودیم که بین دو دیوار نشسته و در انتظار مراجعت آن حضرت بودیم. وقتی که آن بزرگوار بازگشت و مقابل ما رسید، نزد ما توقف کرد، با یک دست، "قلنسوه" خود را از سر خود برداشت و دست دیگر را بالای سر خود نهاد و در صورت یکی از رفقای ما خندید. آن مرد فوراً گفت: شهادت می‌دهم که تو حجت و برگزیده خدا هستی. ما جریان را از آن شخص پرسش کردیم. گفت: من درباره امامت امام عسکری علیه السلام شك داشتم. با خود گفتم اگر آن حضرت برگردد و "قلنسوه" خود را از سر خود بردارد، من به امامت او معتقد می‌شوم. (مسعودی، ۱۳۴۳ ش، ص ۴۷۶)

۳،۲. موقعیت متفاوت فردی

به طور معمول، موقعیت‌های متفاوتی که افراد در آن قرار می‌گیرند، در نوع پوشش و آراستگی آنان تاثیرگذار است. نوع پوششی که در بین اعضای خانواده داریم، با نوع پوششی که در اجتماع و یا در مهمانی انتخاب می‌کنیم، متفاوت است. نمونه‌هایی از این متغیرها عبارتند از:

۳،۲،۱. در مواجهه با اجتماع

یکی از متغیرهایی که بر نوع پوشش و آراستگی فرد اثر می‌گذارد، حضور شخص در اجتماع است و هر کس متناسب با شرایط معیشتی و شأن خود، پوشش خویش را انتخاب می‌کند. امام عسکری علیه السلام نیز به این مسئله اهتمام بسیار داشت تا جایی که روایت حضور ایشان در دربار، این مسئله را تایید می‌کند.

امام حسن عسکری علیه السلام گرچه محصور و تحت کنترل بود اما در داخل محدوده حصر روابطی داشت و از طریق این ارتباطات که گاهی پوشش فعالیت‌های شبکه‌ای بوده اهداف

۵. قلنسوه بیشتر به کلاه و عرقچین اطلاق می‌شود ولی به هر چیزی که برای پوشش سرانسان یا سرپوش اشیاء استفاده شود نیز می‌توان از واژه قلنسوه استفاده کرد مانند انواع کلاه و روسری و نیز کلاهک دودکش یا کاپوت ماشین.

خود را دنبال می کرد. از مهمترین موارد که باید مراعات می شد وضعیت پوشش و لباس حضرت بود که باید لباس معمول و مرسوم مردم را می پوشید. البته این منافات ندارد با اینکه به جهت مصالحتی وجه امتیازی نیز داشته باشد. برخی گزارش ها از حضور اجتماعی امام عسکری علیه السلام خبر داده اند. حسن اشعری، محمد بن یحیی و دیگران روایت کرده اند احمد بن عبیدالله خاقان، متولی موقوفات قم بود. وی از اهل بیت علیهم السلام، بی اندازه بدگویی می کرد و با آنها، ضدیت و دشمنی داشت. روزی در مجلس او، از علوی ها و آیین آنان سخن به میان آمد. او با داشتن چنین عصبیتی، گفت: «در شهر سامرا، کسی را مانند حسن بن علی علیه السلام ندیدم؛ زیرا او مردی راست کردار، آرام، پاکدامن، بزرگوار و عالی مقدار بود و همه بنی هاشم و خاندان او، وی را احترام می گذاردند، او را بر پیرمردان و محترمان مقدم می داشتند و نه تنها خاندانش به او احترام می گذاشتند، بلکه سرلشکران و وزیران و افراد دیگر، از وی تعظیم می کردند. یادم نمی رود روزی در کنار پدرم، در هنگامی که مردم برای عرض حوائج می آمدند، ایستاده بودم. دربانان وارد شده و به اطلاع رسانیدند که ابومحمد، دم درب منتظر ورود است. پدرم به مجردی که نام او را شنید، با صدای بلند فریاد زد او را اذن دهید. من از اینکه دربانان چگونه جرأت کرده و جسارت نموده که توانسته اند از مردی، به کنیه در حضور پدرم معرفی کنند، متعجب شدم؛ زیرا دربانان از غیر خلیفه و جانشین او یا کسی که مجاز باشند او را به کنیه نام ببرند، از دیگری به این عنوان، حق معرفی نداشتند. مجملامرد گندم گون نیکواندام خوش چهره زیبا قامت جوانی، که همه گونه آثار بزرگی از او هویدا بود، وارد شد. چون چشم پدرم به او افتاد، از جای برخاست و چند قدم از وی استقبال کرد. من سابقه چنین رفتاری را از پدرم نسبت به هیچ یک از بنی هاشم و سرلشکران نداشتیم. چون نزدیک رسید با وی معانقه کرد و صورت و سینه اش را بوسید و دست او را گرفته، بر مسند خود نشانیده و خود پهلوی او قرار گرفته و روبروی او نشست. همچنین در هنگام صحبت، خود را فدای او می کرد و من از تمام این امور برخلاف انتظار، متعجب می شدم» (شیخ مفید، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۸). در سیره اولیای الهی، آراستگی و پوشش مناسب در بین مردم و اجتماع، ملموس است. این مسئله، متناسب با آموزه های اسلام است، زیرا باعث

عزت نفس و کرامت انسانی می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «التَّجَمُّلُ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِينَ»^۱.
(آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۳۵)

۳،۲،۲. در بین دوستان

یکی دیگر از متغیرهایی که بر نحوه پوشش، تاثیر می‌گذارد، حضور در جمع دوستان و در مهمانی‌های دوستانه است. اسلام به پوشش و آرایش شایسته آن مجلس و متناسب با فضای مهمانی توصیه و سفارش کرده است.

شیخ طوسی به اسناد خود، از محمد بن احمد انصاری، نقل می‌کند که گفت: «گروهی از مَفْوُضَه و مَقْضَرَه شخصی به نام «کامل بن ابراهیم مدنی» را به حضور امام حسن عسکری علیه السلام فرستادند تا درباره عقائد خودشان، با امام علیه السلام مناظره و گفتگو کند. کامل به سوی امام عسکری علیه السلام حرکت کرد. او می‌گوید: «پیش خود فکر کردم که از امام بپرسم: «هیچ کس، جز کسی که عقیده مراد دارد، وارد بهشت نمی‌شود». به محضر امام عسکری علیه السلام رسیدم. دیدم لباس سفید و نرمی در تن دارد. با خود گفتم: «آیا ولی خدا و حجت خدا لباس نرم و لطیف می‌پوشد و به ما امر کند که با برادران، مواسات کنیم (و در لباس و غذا، خود را هم‌ردیف آنها نماییم) و ما را از پوشیدن لباس‌های لطیف، نهی می‌کند؟ هنوز چیزی نگفته بودم که امام عسکری علیه السلام در حالی که خنده بر لب داشت، فرمود: ای کامل! (در این هنگام، آستین‌هایش را بالا زد. ناگاه دیدم لباس موئین زبری در زیر لباسش پوشیده است) «هذا لله و هذا لكم؛ این لباس زیرین برای خدا است [که خشن باشد تا موجب تن‌پروری و سرکشی تن نشود] و این لباس روئین [که سفید و نرم است] برای شما است». (قمی، ۱۳۹۱، ص ۵۴۶)^۳

این شیوه‌ای است که معصومین علیهم السلام و اولیای الهی، به پیروی از آموزه‌های اصیل اسلام، آن را در پیش گرفته‌اند و در هر دوره‌ای، با توجه به عرف و مقتضای آن جامعه، به این توصیه اسلام جامعه عمل پوشیدند. شاید در ابتدا، روش آنها با هم متفاوت به نظر رسد و یکی از بزرگواران را

۱. خودآرایی، از اخلاق انسان‌های مؤمن است.

۲. گروهی که معتقد بودند خداوند همه چیز را به مخلوقات واگذار کرده، و کاری به کار آنها ندارد

۳. برای دیدن موارد بیشتر رجوع کنید به شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۴۶ و اربلی، کشف الغمه، ج ۲ ص ۴۹۹

ساده زیست‌تر و دیگری را هماهنگ با جامعه ببینیم؛ اما در اصل، همه یک راه را در پیش گرفتند و آن نیز راه راستین و عمل به توصیه اسلام است.

۳،۲،۳. در کنار همسر و در جمع خانواده

در بررسی و مطالعه صورت گرفته، هیچ گزارشی مشاهده نشد مبنی بر اینکه امام عسکری علیه السلام در بین اعضای خانواده و همسران چه پوششی داشته است. این مسئله شاید به دلیل این باشد که همسر یا همسران امام، کنیز بوده و مسئله ازدواج امام باید مخفیانه باقی می ماند. از این رو، امام باید کاملاً احتیاط می کرد و دستگاه خلافت را نسبت به خود حساس نمی ساخت.

۳،۲،۴. در مناسبت های خاص

مناسبت های خاص، مناسبت هایی است که در آنها برای انسان، حالت شادی یا غم رخ داده و با توجه به این حالت ها، فرد پوششی را دارد که آن پوشش، گویای احساس اوست. مانند جشن عروسی و عزای ازدست دادن عزیزان. در دوران حیات امام عسکری علیه السلام، دو حادثه تلخ برای حضرت رخ داده که یکی مربوط به وفات برادر بزرگوارشان، سید محمد است و دیگری مربوط به شهادت ازدست دادن پدر بزرگوارش، امام هادی علیه السلام است که خود، شاهد مثالی است در این باب:

الف) وفات سید محمد و اشاره امام هادی علیه السلام به امامت امام عسکری علیه السلام

سعد بن عبدالله از عده ای از بنی هاشم از جمله حسن بن حسین افسس نقل می کند: روزی که فرزند حضرت هادی علیه السلام، ابو جعفر محمد رحلت کرد، در وسط منزل، برای حضرت هادی علیه السلام بساطی گسترده و حاضران علاوه بر مردم عادی، متجاوز از صد و پنجاه نفر از آل ابی طالب و عباس و قریش حضور یافته بودند. در آن هنگام، چشمم به حسن بن علی علیه السلام افتاد، که گریبان چاک زده و طرف راست پدر بزرگوارش ایستاده بود. و ما تا آن روز، حسن را ندیده بودیم. پس از ساعتی، حضرت ابوالحسن علیه السلام به فرزندش توجه کرده و فرمود: فرزند من، از خدا شکرگزاری کن که امر تازه برای تو احداث کرد. حسن گریسته و استرجاع گفت و به شکر خدا پرداخت: «سپاس خدا را و از او خواستار همه گونه نعمتی که به ما ارزانی فرموده و ما به سوی او باز می گردیم». (شیخ

مفید، بی تا، ج ۲، ص ۶۵۱)

ب) تشیع جنازه و خاک سپاری امام هادی علیه السلام

جنازه امام هادی علیه السلام در خانه اش در سامراء به خاک سپرده شد و امام حسن عسکری علیه السلام دنبال جنازه اش حرکت کرد، در حالی که گریبانش را چاک زده بود و براو نماز خواند و او را به خاک سپرد. بالای رواق، دری گشوده شد و خادم سیاهی بیرون آمد و بعد از او، امام حسن عسکری علیه السلام با سر برهنه و گریبان چاک زده بیرون آمد و لباس سفید آستر دار در تن داشت و صورت مبارکش مانند چهره پدر بزرگوارش بود. در آن وقت، فرزندان متوکل عباسی در آن خانه بودند که بعضی از آنها منصب ولیعهدی داشتند. همه مردم، به احترام آمدن امام حسن عسکری علیه السلام برخاستند. احمد بن موفّق به سوی امام عسکری علیه السلام رفت. امام علیه السلام نیز به طرف او آمد و با هم معانقه کردند و امام فرمود: «مرحبا به پسر عموی من». آن گاه امام عسکری علیه السلام بین درهای رواق نشست و مردم در برابرش بودند. قبل از آمدن آن حضرت، صحن خانه، مانند بازار، پرسرو صدا بود؛ ولی وقتی که آن حضرت آمد، همه خاموش شدند و صدایی جز صدای عطسه و سرفه نمی شنیدیم. در آن هنگام، کنیزی از خانه امام هادی علیه السلام بیرون آمد و برای وفات آن حضرت گریه می کرد. امام عسکری علیه السلام فرمود: «آیا کسی در اینجا نیست که این کنیز را ساکت کند؟». چند نفر از شیعیان نزد او رفتند و او به خانه بازگشت.

سپس خادمی از خانه بیرون آمد و در مقابل امام عسکری علیه السلام ایستاد. امام برخاست و جنازه امام هادی علیه السلام را بیرون آوردند. امام عسکری علیه السلام همراه جنازه با سایر مردم حرکت کردند تا به خیابانی که در مقابل خانه «موسی بن بغا» بود رسیدند. امام عسکری علیه السلام قبل از بیرون آوردن جنازه از خانه، براو نماز خوانده بود و بعد از آنکه جنازه را بیرون آوردند، «معمد»، پانزدهمین خلیفه عباسی، بر آن نماز خواند. آن گاه جنازه آن حضرت را در خانه اش به خاک سپردند.

روایت کننده می افزاید: شیعیان با هم درباره اینکه امام حسن عسکری علیه السلام گریبان پیراهنش را چاک زده، صحبت می کردند. بعضی از آنها گفتند: «آیا دیده اید که یکی از امامان، در چنین حالی، یقه خود را پاره کند؟». بعدا برای آن شخص معترض، از جانب امام عسکری علیه السلام توفیق رسید که: «ای احمق! تونمی دانی که این کار چگونه است؟ همانا موسی بن عمران در مصیبت

وفات برادرش هارون، یقه خود را پاره کرد». (قمی، ۱۳۹۱، ص ۴۷۰)

این نحوه پوشش امام در عزای از دست دادن عزیزان، یک مطلب را بیان می‌کند و آن این است که انسان باید ناراحتی خود را علاوه بر اینکه در چهره نمایان کند، باید این موضوع را در پوشش و در آراستگی نیز با حالتی خاص، که شاید مورد تعجب دیگران واقع می‌شود، برساند. امام باید اموری را انجام دهد که به بقیه فهمانده شود بین امام و غیر امام در مورد عزاداری و نشان دادن حزن، نه تنها تفاوتی وجود ندارد؛ بلکه به نحوی حزن خود را در ظاهر و در باطن نشان می‌دهد که چهره و ظاهر او، گویای حزن فراوان او برای از دست دادن پدر است و بالاتر از این، عظمت از دست دادن امام خود را نشان می‌دهد و زمانی که از ایشان ایراد گرفته می‌شود، به عزاداری حضرت موسی برای برادر خود استشهد می‌کند.

۴. بسترشناسی وضعیت پوشش و آراستگی در دوره امام عسکری علیه السلام

با مطالعه در منابع تاریخی درمی‌یابیم که انواعی از پوشش‌ها در دوره امام حسن عسکری علیه السلام مرسوم بوده که تفاوت‌هایی با پوشش‌های دوران ائمه قبلی داشته است. این تفاوت‌ها، گاه خواننده را بدون در نظر گرفتن شرایط آن دوره، به خطا می‌کشاند که این‌گونه زندگی، بازهد فاصله دارد. براین اساس، لازم است این نتیجه‌گیری با مطالعه دقیق و بررسی شرایط جغرافیایی و آب و هوایی و وضعیت رفاهی و اجتماعی جامعه باشد.

با بررسی زندگی و سیره امام حسن عسکری علیه السلام و مطالعه گزارش‌های ذکر شده در منابع تاریخی و دقت نظر در این گزارش‌ها، به یافته‌هایی در مورد پوشش ایشان دست پیدا می‌کنیم که در ذهن ما با تعریف ساده‌زیستی تفاوت دارد. این ذهنیت، بدون در نظر گرفتن بقیه عوامل پیرامونی آن عصر است که با تحقیق و بررسی، اصلاح خواهد شد. این تصور، که ائمه باید پوششی ساده‌تر و متفاوت‌تر از بقیه در همه حالت‌ها و زمان‌ها و مکان‌ها داشته باشند و اینکه تمام ائمه باید مانند امام علی علیه السلام زندگی کنند، تصویری اشتباه است؛ زیرا شرایط و زمانه حضرت با شرایط دوران زندگی بقیه ائمه علیهم السلام متفاوت بوده است. امام علی علیه السلام در زمانه‌ای می‌زیست که مسلمانان از لحاظ اقتصادی، بسیار در فشار بودند؛ اما این وضعیت در دوران امام عسکری علیه السلام تغییر کرده است. در نتیجه، با دقت و نگاه عمیق به زندگی هر یک از ائمه علیهم السلام

و نیز امام حسن عسکری علیه السلام درمی یابیم که هریک از آنان، مرد زمانه خود بوده و ساده زیستی را در زمانه خود با نحوه زندگی و پوشش خویش نشان داده اند.

وضعیت اجتماعی، اقتصادی و رفاهی جامعه مسلمین در زمان امام عسکری علیه السلام، با شرایط ابتدایی اسلام، دارای تفاوت هایی اساسی است. در این دوران، رفاهی نسبی ایجاد شده و به تبع آن، کیفیت زندگی افراد، بهبود یافته و این بهبود کیفیت زندگی، شامل بهبود کیفیت خوراک، پوشاک و مسکن آنان گردیده است. همچنین شرایط جغرافیایی و آب و هوایی، مناسبات حکومت با کشورهای هم جوار، غلبه فرهنگ ترکان به عنوان فرهنگ غالب آن زمان، ادامه نهضت ترجمه و آشنایی دانشمندان، درباریان و مردم با فرهنگ غرب به وسیله ترجمه آثار آنان به عربی و نیز تاثیرگذاری مفاهیم این کتب بر روی فرهنگ آن دوره و... فرهنگ آن دوران از جمله موضوع پوشش و آراستگی را تحت شعاع خود قرار می دهد.

پوشش و آراستگی ائمه گاهی مانند سایر مردم بوده و گاهی متفاوت و باز هم بستگی به شرایطی زمان دارد. از جمله اینکه امام در روزهای دوشنبه و پنجشنبه که به دارالحکومه می رفت، پوششی رسمی داشته است. این حالت، اختیاری نبوده یا اگر امام با اختیار خود این کار را انجام می داده، اقتضائاتی داشته است از جمله تقلیل حساسیت حکومت نسبت به امام و تحریک نکردن حکومت و بهانه ندادن به دست آنان. حضرت در هنگام حضور در برابر خداوند، پاکیزه ترین و ساده ترین پوشش ها را داشت و هنگامی که تنها بود، لباسی بسیار ساده بر تن می کرد. شاید بتوان گفت که در این دو حالت، ساده تر و متفاوت تر از سایر مردم زندگی می کرد اما در مورد پوشش و آراستگی ایشان در حضور مهمانان، گزارش هایی آمده که ایشان لباسی می پوشید زیباتر و آراسته تر از هنگامی که تنها بود.

درباره پوشش و آراستگی در بین خانواده ایشان، هیچ گزارشی وجود نداشت. شاید یکی از علت های آن، مراقبت دستگاه خلافت و وجود جاسوسانی در اطراف ایشان بود برای اینکه ببینند حضرت همسری اختیار کرده است یا خیر. به همین علت، امام در مورد پوشش خود در نزد خانواده و همسران خود - که شاید علت کنیزبودن آنان هم، همین مراقبت از امام و حساسیت آنان نسبت به امام باشد - بسیار احتیاط می کرد. یکی دیگر از علت ها، رفت و آمد

محدود اصحاب و حتی نزدیکان امام به خانه ایشان بود. بنابراین، ایشان را کمتر دیده‌اند تا بتوانند وضعیت و پوشش امام را در خانه گزارش کنند. این در حالی است که علی‌رغم تصور همگان، گزارش‌ها درباره نوع و نحوه پوشش در مواجهه با وفات عزیزان و در دیدار با اصحاب و دربار، کم نیست.

ایشان در پاسخ به سوالات فقهی درباره پوشش فرمود: ما اهل بیت، رنگ قرمز نمی‌پوشیم. زیرا ایشان از پدران خود نقل کرده‌اند که رسول خدا ﷺ استفاده از لباس سرخ رنگ را مکروه می‌دانست (قاضی نعمان، ۱۳۷۳، ص ۱۳۳) امام در اجتماع، نوعی از پوشش را داشتند که حتی اگر هم محدودیت‌های حکومت و اجبار آنان نبود، باز هم این نوع از پوشش، اقتضای زمانه ایشان بوده است. همچنین چون امام در اجتماع است، باید مواردی را مد نظر قرار دهد که باعث تفاوت‌هایی در نحوه پوشش و آراستگی امام در خانه و بیرون از خانه می‌شود. برای این اساس، در ذهن خواننده، تعارض‌هایی بین زندگی امام و موضوع ساده‌زیستی به وجود می‌آید. اما طبق آنچه گفته شد باید مطالعه همه‌جانبه‌ای صورت گیرد تا مفهوم درستی از پوشش در قالب ساده‌زیستی را ارائه دهد.

امام با حفظ تمام اصولی که باید ثابت بماند، تغییراتی را انجام می‌دهد؛ زیرا ایشان عضوی از این اجتماع است که ارتباطات و مناسبات بیشتری دارد. ایشان با مردم جامعه در ارتباط است، با حکومت در ارتباط است، با اصحاب در ارتباط است، با خانواده در ارتباط است، با خویش و با خداوند در ارتباط است و اقتضای این گستردگی ارتباط آن است که طبق فرموده اهل بیت علیهم‌السلام باید انسان زمانه خود باشد و یکی از مصادیق فرزند زمانه خویش بودن نوع پوشش است. بنابراین امام علاوه بر انتقال آموزه‌های مربوط به سیره و سنت اصیل اسلامی به شرایط و اتضانات زمانه نیز توجه دارد و آن را لحاظ می‌کند. امام صادق علیه‌السلام در جواب سوال کسی که اعتراض کرد: شما که از ساده‌زیستی امیرالمومنین علی علیه‌السلام فرمودید، چرا خود لباس قیمتی و نرم و زیبا می‌پوشید؟ ایشان فرمود لباس امام علی علیه‌السلام در فرهنگ آن روز، بد منظر نبوده و انگشت‌نما نمی‌شد و اگر امیرالمومنین علیه‌السلام الان بود و همان لباس‌ها را می‌پوشید، انگشت‌نما می‌شد. پس لباس ما باید متناسب فرهنگ و زمانه ما باشد؛ گرچه قائم ما وقتی ظهور کند،

همان لباس امام علی علیه السلام را می پوشد و به روش امام علی علیه السلام رفتار می کند. (کلینی، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۴۱)

در زندگی امام عسکری علیه السلام نیز رعایت تمام این مسائل دیده می شود. در زندگی ایشان، زهد و ساده زیستی در پوشش و در ارتباط با اطرافیان و اجتماع وجود دارد؛ چون ساده زیستی، کم خوردن و کم پوشیدن نیست. ساده زیستی آن است که در عین حال که شرایط زمانه را در اصول غیر ثابت زندگی رعایت می کنی، فردی هستی که هم مانند آنان هستی و هم مانند آنان نیستی؛ به طوری که در نظر دیگران، یک فرد از این اجتماع محسوب می شوی و این یعنی، اصول غیر ثابت برای تو موضوعیت ندارد، بلکه وسیله ای است برای تقرب به خداوند. امام نیز در بین مردم به گونه ای است که هم الگویی مناسب برای ساده زیستی بر اساس اصول ثابت دینی است و هم الگویی است در لحاظ شرایط زمینه و زمانه برای نشان دادن انسان زمانه خود بودن.

اصل اعتدال که به نحوی حاکم بر همه اصول پوشش و آراستگی است اقتضا می کرد که امام در جایی، مانند مردم می پوشید و در جایی به دلایلی متفاوت از مردم می پوشید. او از طرفی یک فرد انسان در جامعه است و از طرفی امام راهنمای جامعه. در واقع، می توان گفت سیره چنین است که نه به گونه ای باشی که دست نیافتنی باشی و نه به گونه ای که انگشت نما شوی. امام اعتدال را در همه لحظات زندگی خود رعایت می کرد تا اصول سیره فردی را در زندگی خود جاری کرده و الگویی باشد برای همه اعصار.

۵. اصول ثابت در پوشش و آراستگی

مواردی که مطرح کردیم، متغیرهایی بودند که باید بر اساس یک اصول ثابت، سنجیده شوند تا این متغیرها درباره پوشش، مبنایی باشند تا پوشش ما خارج از این اصول اسلامی نباشد. در واقع، اصول مانند یک مرز است و متغیرها، مولفه های داخلی این مرز هستند و این متغیرها تا جایی آزادی دارند که از مرز اصول خارج نشوند.

از خصوصیات دین مبین اسلام این است که همیشه بر نیازهای ثابت انسان مهر تایید زده است؛ اما نیازهای متغیر انسان را تابع معیارهای ثابت قرار داده است که به عقیده شهید

مطهری، این مسئله، اعجازی در ساختمان دین مبین اسلام است. (مطهری، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۲۱۹)

۵.۱. آراستگی به مثابه مرتب بودن

آراستگی را می‌توان به آراستگی باطنی و ظاهری تقسیم کرد. آراستگی باطنی به معنی دارا بودن صفات اخلاقی نیکو و حسن معاشرت با افراد خانواده و جامعه است. آراستگی ظاهری نیز به معنی مرتب، منظم و نظیف بودن است. آموزه‌های اسلامی، انسان را به آراستگی و نظافت توصیه می‌کنند. در اسلام، آراستگی ظاهر، به اندازه آراستگی باطن، مهم و اساسی شمرده شده و به عنوان یک اصل معرفی شده است.

در سیره پیامبر ﷺ آمده است که ایشان هنگام خارج شدن از خانه، خود را مرتب می‌ساخت. همچنین پیامبر می‌فرمود: خداوند دوست دارد وقتی بنده مومنش برای ملاقات با برادرانش از خانه خارج می‌شود، خودش را مهیا و آراسته سازد (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۳۴). بر این اساس، آراستگی و مرتب بودن، یکی از نکات مهم و مورد تاکید دین اسلام است.

۵.۲. مطابقت با عرف جامعه

یکی دیگر از اصول ثابت اسلامی که باعث نظم و انسجام جامعه اسلامی می‌شود، اصل مطابقت پوشش با جامعه و عرف است. امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود به نام عبید بن زیاد چنین توصیه می‌کند: آشکار کردن نعمت را خدا بیش از (پنهان) نگاه داشتن آن دوست می‌دارد، پس جزاین مباد که با بهترین شکل آرایش مرسوم قوم خویش خود را بیارایی. عبید از آن پس تا هنگام مرگ، جز با بهترین شکل و لباس در میان قوم خود ظاهر نشد. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۴۴)

بنابراین، اسلام پوشیدن لباسی که در جامعه، باعث انگشت‌نماد شدن باشد را توصیه نمی‌کند؛ حال چه به وسیله مندرس بودن لباس باشد یا مخالف عرف بودن آن این حالت برای

۱. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِعُبَيْدِ بْنِ زَيْدٍ إِظْهَارُ النِّعْمَةِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ صِيَانَتِهَا فَإِنَّكَ أَنْ تَتَزَيَّنَ إِلَّا فِي أَحْسَنِ زِيٍّ قَوْمِكَ. قَالَ فَمَا زِيٌّ عُبَيْدُ إِلَّا فِي أَحْسَنِ زِيٍّ قَوْمِهِ حَتَّى مَاتَ.

انسان پیش آید. چون در حالت اول، باعث خواری مسلمان می‌شود و در حالت دوم، گاه باعث تکبر فرد می‌گردد و هر دو حالت، شایسته یک فرد مسلمان نیست. مسلمان علاوه بر اینکه اختیاراتی در مورد پوشش خود دارد، مسئولیت‌هایی نیز نسبت به اسلام دارد که یکی از آنها اینکه شان یک مسلمان را که نماینده اسلام است، حفظ کند.

۵.۳. اعتدال

اعتدال یا میانه‌روی، یکی از اصول ثابت زندگی ائمه اطهار (ع) است. میانه‌روی، اصلی است که به‌عنوان یک ملکه درونی مبتنی بر علم و دانش و بینش صحیح، در آدمی شکل می‌گیرد، بخشی از آن روح متعالی است که به افکار و افعال و رفتار انسان در عرصه‌های مختلف جهت می‌دهد و براساس مؤلفه‌هایی، انسان را از آسیب‌های اخلاقی، که دوروی سکه افراط و تفریطند، در امان می‌دارد. توجه یا بی‌توجهی به چنین اصلی، به‌ویژه درجایی که معصومان (ع) از آن غافل نبوده و در موارد متعددی، آن را یادآور شده‌اند، نشانه اهمیت این اصل در زندگی آنان است. براین اساس، ایشان مردم را از زیاده‌روی یا کوتاهی پرهیز داده و زمینه اشتباه در فهم را خنثی و از ایجاد آسیب‌های اخلاقی، پیش‌گیری کرده‌اند. البته روح حاکم بر زندگی معصومان (ع)، برخوردار از چنین حالتی بوده تا جایی که امام علی (ع)، سیره پیامبر (ص) را قصد و میانه‌روی تعریف کرده است: «المومن سیرته القصد» (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۸۰)؛ همان معنایی که در قرآن با واژگانی چون وسط، قصد و عدل بیان شده و فقط نظری نیست که خدای سبحان در تمام تار و پود زندگی اعم از مسائل اعتقادی، اخلاقی و رفتاری در همه عرصه‌ها، به آن توجه داده است. میانه‌روی در دستگاه اهل بیت (ع) معنایی ویژه دارد؛ معنایی که نه جانب افراط و نه تفریط و نه مصلحت‌سنجی و یا بی‌انضباطی را در بردارد. در چنین معنایی، میانه‌روی چیزی مطابق حق و امری عینی است، نه امری ذهنی و باطل؛ بنابراین، کسی نمی‌تواند معنای آن را به نفع خود مصادره کند. اعتدال در پوشش نیز با توجه به آنچه که بیان شد، بسیار مهم است تا جایی که اعتدال در پوشش با در نظر گرفتن زمانه و وضعیت اقتصادی و اجتماعی در زندگی هریک از اهل بیت (ع) کاملاً مشهود است.

۵.۴. سادگی (البته مرتب و نظیف)

یکی دیگر از اصول ثابت، اصل سادگی است. ساده زیستی و پرهیز از تکلف، یکی از اصول مهم در معیشت و زندگی انسان‌ها است که در مورد آن، آیه و روایت وارد شده و بشریت با غفلت از آن، به مشکلات فراوانی مبتلا گردیده است.

فرهنگ غنی اسلام و سیره ممتاز پیامبر ﷺ و اهل بیت ، مردم را به زندگی همراه با قناعت و پرهیز از تشریفات و تجملات دعوت می‌کند. رسول خدا ﷺ، به سلامت و عافیت جسمی و سادگی و نیز نوع سالم‌تر پارچه لباس توجه داشت و لباس پنبه‌ای، مورد علاقه آن حضرت بود. علی  می‌فرماید: «البسوا الثياب القطن فانها لباس رسول الله؛ لباس‌های پنبه‌ای بپوشید، چرا که آن، لباس پیامبر خداست» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۶) و نیز فرمود: «انی لا أُحِبُّ الْمُتَكَلِّفِينَ؛ من متکلفان را دوست نمی‌دارم». (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۲۷۶)

سادگی اهل بیت  همراه با نظم و ترتیب بوده است تا جایی که در همان پوشش‌های ساده نیز نظم و پاکی و ترتیب مشاهده می‌شد. گاه دیده شده که یک لباس، بسیار گران قیمت است، اما چون نامرتب و دارای چین و چروک است، زیبایی لباس را دچار خدشه می‌کند؛ اما گاه یک لباس، بسیار ساده است که به صورت مرتب، جلوه کرده و وقار خاصی به پوشنده لباس می‌دهد و حس خوبی به بینندگان منتقل می‌کند.

۵.۵. مطابقت با شرایط زندگی

یکی دیگر از اصول، مطابقت با شرایط زندگی است؛ اینکه انسان باید مطابق شرایط زندگی و شان خود، پوشش داشته باشد و رفتار کند. در روایتی از امام باقر  آمده که: شناخت اهل زمان و حفظ شأنیت برای مسلمانان، ضرورت اجتناب ناپذیر است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۲۴ و صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۸۲). بر این اساس، این نوع از پوشش فرد با توجه به شرایط زندگی او و اینکه اگر دارای مکنت مالی است، لباس‌های مناسب شأنش بپوشد، این خارج از زهد نیست. پس پوشیدن لباس آراسته، مرتب و سالم و لباس در شان انسان، توصیه اسلام و بزرگان ماست.

نتیجه‌گیری

در اسلام پوشش جایگاه قابل توجهی دارد و بر پاکیزگی و آراستگی تاکید شده است. از بررسی سیره امام حسن عسکری علیه السلام در رفتار و گفتار می‌توان به این جمع بندی رسید که پوشش دارای اصولی ثابت است که همواره مراعات شده و معلول تعدادی عوامل و متغیرهای دیگری است که وجه تفاوت پوشش در موقعیت های مختلف را تبیین می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که آراستگی، هماهنگی با عرف جامعه، اعتدال، سادگی و هماهنگی با وضعیت اقتصادی از اصول ثابت سیره امام حسن عسکری علیه السلام است که همیشه و همه جا رعایت شده است. از طرفی عواملی مانند مناسبت های خانوادگی، فرهنگ جامعه مشخصی که در آن زندگی می‌کردند و مهم بودن پیامی که لازم می‌دانستند به صورت غیرمستقیم از سبک پوشش منتقل کنند، در انتخاب نوع، رنگ و شکل لباس تاثیر داشت.

فهرست منابع

۱. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۸ش، سنن النبی ﷺ، مترجم: محمدهادی فقهی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۲. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۰ش، مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی.
۳. مصطفوی، حسن، ۱۴۱۶ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۹۲ق، بحار الانوار لدرر اخبار الائمة الطهار، تهران: کتابفروشی اسلامیة اسلامیة.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲ش، الکافی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰ش، اسلام و مقتضیات زمان، تهران: صدرا.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶ش، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۸. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، بی تا، المناقب، قم: انتشارات علامه.
۹. حسنلو، امیرعلی، ۱۳۹۲ش، پوشش و تغذیه در سیره معصومان (ع)، قم: بوستان کتاب.
۱۰. ساطعی، عشرت، ۱۳۸۳ش، روان شناسی رنگ ها، زنجان: نیکان کتاب.
۱۱. مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۴۳ش، اثبات الوصیه، مترجم: محمدجواد نجفی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، الامالی، قم: دارالثقافه.
۱۳. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، بی تا، الارشاد، قم: منشورات مکتبه بصیرتی.
۱۴. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین، ۱۴۰۶ق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم: دارالرضی.
۱۵. _____، ۱۴۰۴ق، من لا یحضره الفقیه، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین فی الحوزة العلمیه.
۱۶. قمی، شیخ عباس، ۱۳۹۱ش، انوار البهینه، ترجمه: کریم فیضی، قم: دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غرر الحکم، تصحیح: مهدی رجائی، قم: دارالکتب الاسلامی.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی